



عزاداران در هند از دیدگاه شرق شناسان (از دوره مغول تا عصر حاضر)

پدیدآورده (ها) : حسینی، سید محمد شیبیب
تاریخ :: سخن تاریخ :: بهار 1389 - شماره 8
از 70 تا 79

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/600272>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 19/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

عزاداری در هند از دیدگاه شرق‌شناسان (از دوره مغول تا عصر حاضر)

سید محمد شیبیب حسینی*

چکیده

با توجه به اهمیت عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و گسترش آن در سطح جهان، لازم است در این زمینه تحقیقاتی صورت گیرد. کشور هندوستان، از مراکز مهم عزاداری در جهان محسوب می‌شود، لذا توجه به عزاداری در این کشور بسیار ضروری است. نویسندگان و پژوهش‌گران به این مطلب تا حدودی پرداخته‌اند.

نوشتار حاضر به دیدگاه شرق‌شناسان درباره عزاداری در هند (از دوره مغول تا عصر حاضر) می‌پردازد و دیدگاه‌های آنان را در این زمینه بررسی می‌کند. در این مقاله، ثابت شده که شرق‌شناسان در این موضوع دست به قلم شده‌اند و به چگونگی شروع عزاداری در هند و فراز و نشیب‌های آن در عصر مغول و سپس رونق عزاداری در زمان پادشاهان اوده پرداخته‌اند. همچنین در نوشتار حاضر به عزاداری فعلی هندیان نیز اشاره شده است.

واژگان کلیدی

عزاداری، شرق‌شناسان، مغول، نوابین اوده، حکومت‌های شیعی.

* کارشناس ارشد تاریخ اهل بیت، جامعه المصطفی العالمیه.

حوادث و وقایع مختلفی در طول تاریخ و در برهه‌های مختلف رخ داده که در کتب و منابع تاریخی ثبت شده است. بسیاری از این وقایع بازتاب اجتماعی و فرهنگی نیز داشته و حتی بعضی از آنها، قرن‌ها زبان‌زد خاص و عام بوده و بر جوامع انسانی تأثیر زیادی داشته است. در تاریخ بشر، حادثه و رخدادی همانند واقعه کربلا و حادثه عاشورای حسینی تا به حال رخ نداده است. این واقعه از معدود حوادثی به‌شمار می‌آید که ملل و اقوام مختلف را از جهت روحی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر خود قرار داده است. این امر از این جهت بسیار اهمیت دارد که شرق‌شناسان و متفکران غربی نیز مطالب زیادی در این زمینه بیان کرده‌اند که تحقیق و بررسی درباره همه آنها، فرصت بیشتری را می‌طلبد.

نوشتار حاضر به بررسی واقعه کربلا در شبه‌قاره هند می‌پردازد که برای یادبود شهیدان و اسیران کربلا، اهتمام خاصی دارند و مراسم متنوعی برای عزاداری برگزار می‌شود. و این امر نیز از چشم شرق‌شناسان غربی مخفی نمانده است و آنها اگرچه کتاب مستقلی درباره عزاداری هند به رشته تحریر درنیآورده‌اند، در لابه‌لای کتاب‌ها و مقالاتی که در مورد مسلمانان و شیعیان هند نگاشته‌اند، مطالبی در این زمینه آورده‌اند که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

الف) آغاز توجه شرق‌شناسان به تاریخ عزاداری در هند

اسلام در اواخر قرن اول، با حمله محمد بن قاسم ثقفی به هند (سند) وارد شد.^۱ و بر اساس برخی نقل‌ها، از طریق بازرگانان به بعضی از مناطق هند رسید. بعضی از فرق شیعی نیز از همان قرون اولیه، در این سرزمین فعالیت مذهبی خود را شروع کردند؛ به‌ویژه شیعیان اسماعیلی و زیدی که حتی در مقطعی از تاریخ، حکومت‌های محلی نیز تشکیل دادند.^۲ و طبیعتاً عزای سیدالشهدا را نیز به‌صورت کم‌رنگ آغاز کردند. به دو علت شرق‌شناسان به این‌گونه مسائل توجه نکردند:

۱. شرق‌شناسی و تحقیق درباره مسلمانان، سال‌ها بعد از زمان گسترش اسلام شروع شد و در قرون اولیه، بحث شرق‌شناسی اصلاً مطرح نبود. شرق‌شناسی که تاکنون پنج مرحله را طی کرده، در واقع در دوران جنگ‌های صلیبی و بعد از آن (در دوره سوم و

۱. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۴، ص ۵۸۸؛ اطهر عباس رضوی، *شیعه در هند*، ص ۲۳۰.

۲. *شیعه در هند*، ص ۲۳۱.

چهارم) یعنی از قرن هفتم و هشتم هجری است که این بحث به صورت گسترده‌ای شروع شد. هنگامی که شرق‌شناسان در مورد اسلام و مسلمانان به بحث پرداختند، درباره فرقه‌های اسلامی اعم از شیعه و غیرشیعه تحقیق کردند. به همین جهت، مطالبی که درباره عزاداری سیدالشهدا نوشته‌اند بیشتر به دو سه قرن اخیر مربوط می‌شود.

۲. مراسم عزاداری در هند، با این رونق فعلی و با اهتمام خاص برگزار نمی‌شد و در چند قرن اخیر، از دوره مغول، قطب‌شاهیان و عادل‌شاهیان، بیشتر رونق گرفته است.^۱ با توجه به این دو نکته، می‌توان گفت که بحث شرق‌شناسی و عزاداری علنی تقریباً هم‌زمان شروع شده است و شرق‌شناسان به عزاداری در زمان این سه حکومت پرداخته‌اند و طبق سلايق خودشان، بحث عزاداری را گاهی با روی کرد مثبت، گاهی با روی کرد منفی و گاهی فقط توصیفی، مطرح کرده‌اند.

ب) چگونگی شروع مراسم عزاداری در هند

همان‌طور که اشاره شد، مراسم مذهبی شیعیان به صورت رسمی و علنی در زمان قطب شاهیان، عادل‌شاهیان و... شروع شد ولی طبق شواهد و مطالبی که غربیان در کتب خود آورده‌اند، این عزاداری در چند صد سال اخیر دارای فراز و نشیب‌های زیادی بوده است؛ آنهماری شیمل می‌نویسد:

مسلمانان و بعضی گروه‌های کوچک شیعه از بدو هزاره دوم میلادی، در هند حضور داشتند و در سال ۱۰۳۰-۱۰۹۴ گروه‌هایی از اسماعیلیان در زمان المستنصر خلیفه فاطمی، بعد از نزاع داخلی مذهب اسماعیلی به گجرات و سند رسیده بودند. بخش بزرگی از نزاری‌ها که بعداً خوجه‌ها و اکنون آقاخان‌ها نامیده می‌شوند، در سند گوتچ زندگی می‌کردند و گروه دیگری که از طریق یمن به هند رفتند، بیره‌ها هستند که مراسم مذهبی شیعیان را انجام می‌دادند.^۲

تشیع بعدها کم‌کم در هند رشد کرد و به تبع آن مراسم مذهبی آنها، اعم از عزاداری و غیر نیز گسترش یافت. لاپیدوس پژوهش‌گر معروف غربی در این زمینه تحقیق مفصل‌تری (البته با روی‌کرد خاصی که دارد) انجام داده است. وی گسترش مراسم عزاداری در هند را به نحوی به صوفیان هند منسوب می‌کند و در این باره می‌نویسد:

۱. محمد قاسم فرشته، تاریخ فرشته، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. در قلمرو خانان مغولان، ص ۱۵۳.

تصوف با زبان‌های بومی ارتباط تنگاتنگی داشت. صوفیان در جذب زبان، موسیقی و قالب‌های شعری هندی، در عقاید و احکام اسلامی پیشگام بودند. نخستین اثر متصوفه به زبان اردو، رساله‌ای در باب تصوف بود که در سال ۷۰۸ هجری / ۱۳۰۸ میلادی نگارش یافت. زبان هندی زبان گفتاری صوفیان شد و زمینه پیدایش زبان اردو را که گونه‌ای از زبان هندی بود، فراهم آورد و به صورت زبان رسمی مسلمانان درآمد. نخستین بار پیروان حشتی بودند که در اوایل سده پانزدهم، زبان دکنی را در گلکندا به کار گرفتند و صوفیان آن‌را در بیجاپور و گجرات گسترش دادند. پیشینه سرودن اشعار عرفانی به زبان سنندی و پنجابی، به سده پانزدهم باز می‌گردد. اشعار عرفانی به زبان پشتو از اواخر قرن شانزدهم سروده شد. شاعرانی که به زبان‌های بومی شعر می‌سرودند، در اشعار خود از مضامین ایرانی، عشق به خدا، و تمنای وصال الهی الهام می‌گرفتند؛ عشق به پیامبر نیز در اشعار، سروده‌های عامیانه، چیستان‌ها و ترانه‌های شاد مجالس عروسی و در قالب مضامین، درباره حرمت محمد ﷺ و نیز در قالب سوگ‌نامه حسین علیه السلام تجلی می‌یافت.^۱

وی به نکته مهمی درباره عزاداری اشاره کرده و آن بیان داستان و مصائب امام حسین علیه السلام در قالب اشعار و سوگ‌نامه است. طبق تحقیقات انجام شده، این اشعار رئائی و سوگ‌نامه‌های منظوم و نوحه‌سرایی، در گسترش عزاداری در هند نقش مهمی داشت. وی در قالب بیان چگونگی به وجود آمدن زبان اردو و شعرگویی، به گسترش عزاداری نیز اشاره می‌کند و در ادامه، چگونگی گسترش تشیع و مراسم مذهبی شیعیان در نقاط و مناطق مختلف هند را توضیح می‌دهد. به گفته وی، انتخاب همسران شیعه از طرف گورکانیان و داشتن مناصب بالایی حکومتی، از علل مهم این امر است.^۲

البته تنها لاپیدوس به این سخن اشاره نکرده، بلکه بعضی پژوهش‌گران غربی دیگر نیز این مطلب را آورده‌اند. و در کتاب *در قلمرو خانان معول* آمده است که جهان‌گیر با این که قاضی نورالله شوستری را به قتل رساند، به صوفیان که عزاداری را در هند رواج می‌دادند، علاقه داشت و نفوذ شیعه پس از ازدواج فرمانی با نورجهان بیشتر شد.^۳

در مورد نفوذ تشیع و گسترش مراسم عزاداری در هند، پژوهش‌گرانی مانند جان نورمن هالستر، دونالدسون، نائیتون، سی‌لدچون و غیره مطالب زیادی آورده‌اند که در این مقاله به همین اندازه بسنده می‌شود.

۱. تاریخ جوامع اسلامی، ج ۱، ص ۵۸۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۵۶۷.

۳. همان، ص ۱۳۰ - ۱۳۵.

ج) فراز و نشیب‌های عزاداری در عصر مغول

یک سلسله حکومت اسلامی مقتدر در هند به نام دولت گورکانیان، بابرینان و مغول در نیمه اول قرن دهم به وجود آمد که در بین سلسله‌های حکومتی شبه‌قاره هند، بسیار مهم و پر قدرت بودند. عزاداری در هند در دوران حکومت مغول‌ها با فراز و نشیب‌های متنوعی روبه‌رو بود و در بعضی از مناطق هند، حکومت‌های مستقل یا نیمه‌مستقل شیعی هم‌زمان با حکومت مغول‌ها، به صورت علنی عزاداری می‌کردند و در مناطق تحت سیطره حاکمان مغول نیز اگرچه عزاداری به صورت علنی و رسمی انجام نمی‌شد، در برهه‌ای از زمان و در بعضی مناطق با اهتمام خاص و با دسته‌های خیابانی انجام می‌شد و در این زمینه شواهدی از کتب شرق‌شناسان به دست ما رسیده است؛ از جمله آنه ماری شیمل می‌نویسد:

در اوایل حکومت مغول‌ها تعصب مذهبی زیاد دیده نمی‌شد، ولی کم‌کم این تعصب به اوج خود رسید. به همین علت است که می‌بینیم در زمان ابتدائی مراسم عزاداری در قلمرو مغول به صورت عادی انجام می‌شود ولی در زمان جهان‌گیر که یک پادشاه متعصب سنی بود (مخصوصاً قبل از ازدواج با نورجهان) و قاضی نورالله شوشتری در نتیجه دستور او به شهادت رسیده بود و بعد از مدتی در زمان اورنگ زیب عزاداران هند با مشکل مواجه می‌شوند و در سال ۱۴۴۷ میلادی اورنگ زیب راه‌پیمایی‌های دسته‌جمعی شیعیان (هیأت‌های عزاداران) در ماه محرم را ممنوع اعلام می‌کند.^۱

دستور تحریم عزاداری علنی و آمدن هیأت به خیابان‌ها از طرف اورنگ زیب نیز شهادت می‌دهد که در دوران حکومت مغولان، عزاداری با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو بوده است؛ یعنی قبل از او عزاداری خیابانی رایج بود و او این کار را ممنوع کرد.

وی داستان جالبی در اولین زمینه نقل می‌کنند - البته بنده در کتاب معتبری ندیده‌ام ولی شهرت دارد و در صورت صحت آن، مؤید دیگری بر حرف ما خواهد بود- که وقتی اورنگ‌زیب هیأت‌های عزاداری را ممنوع کرد، روزی در قصر صدای یاحسین یا حسین به گوشش می‌رسد، او می‌پرسد: «این چه صدایی است؛ مگر عزاداری خیابانی را ممنوع نکرده بودم؟» در پاسخ به او گفته می‌شود که اینها همه کودکان خردسال هستند که با تعزیه (شبهه ضریح امام حسین علیه السلام) و علم به خیابان‌ها آمده‌اند. او با شنیدن این حرف، در شگفت ماند و نتوانست علیه کودکان اقدامی کند. این چنین شیعیان هند عزاداری را تا به حال زنده نگه داشته‌اند.

۱. همان، ص ۱۳۲.

د) نوابین اوده و رونق گرفتن مراسم عزاداری

دونالدسون دانش‌مند معروف غربی درباره شیعیان و محرم می‌گوید:

محرم وجه امتیاز شیعه است و از همه شعائر آنها معروف‌تر است.^۱

گوینده این سخن شیعه و یا عزادار و یا پیرو مکتب اهل بیت نیست، ولی به گونه‌ای سخن گفته که گویی در عمق این وادی وارد شده و جمله‌ای عمیق و مبتنی بر حقیقتی انکارناپذیر گفته است. این امر در مناطقی دیگر مانند ایران و غیره نیز دیده می‌شود، ولی اگر با دقت تاریخ عزاداری هند را بررسی کنیم، به‌ویژه در زمان نوابین اوده، این مطلب نمایان می‌گردد که محرم و عزاداری، از شعائر مذهب شیعه به حساب می‌آید و بلکه نشانه‌ای برای شناخت شیعیان است.

نوابین منطقه اوده (که بیشتر شهرهای ایالت یوپی امروزی را شامل می‌شود) در احیای مراسم عزاداری حتی از حکام و سردمداران دکن نیز پیشی گرفتند. حاکمان شیعی دکن قبل از زمان مغول و احياناً بعد از آن نیز در ماه محرم، در این زمینه اهتمام زیادی می‌ورزیدند، ولی شاهان یا نوابین اوده عزاداری را رونق زیادی بخشیدند. آنها اگرچه بعضی از مراسم متأثر از فرهنگ هندی را بدون توجه به حقایق تاریخی نیز به مراسم عزاداری ضمیمه می‌کردند،^۲ در واقع همان پادشاهان و نوابین اوده، عزاداری را به صورت همگانی در منطقه وسیعی از هند گسترش دادند و هیأت و دسته‌های خیابانی، به صورت یک فرهنگ عمومی در هند شکل گرفت و کم‌کم افراد مذاهب و ادیان دیگر (سنی‌ها و هندوها) نیز در این مراسم شرکت کردند.

تقریباً هم‌زمان با حکومت پادشاهان اوده، جنبش‌هایی مخالف با عزاداری نیز در هند فعال بودند؛ مانند جنبش فرایضی که رهبر آن حاجی شریعت‌الله (۱۷۸۱-۱۸۴۰) تحصیل کرده حنفی و متأثر از اصلاح‌طلبان مکه بود که به سلسله قادری وارد شد و پس از هیجده سال قیام در مکه به هند برگشت و برای توجه به فرایض به تبلیغ پرداخت. او و پیروانش مخالفتی اصولی با عرفان و تصوف نداشتند اما با حرمت نهادن و تکریم اولیا و بزرگان دینی، اعیاد فصلی، مولودی، جشن میلاد پیامبر و اولیا و تعزیه سیدالشهدا شدیداً مخالفت می‌کردند.^۳

1. *The Shiite Religion*. p277

۲. نک: جان نورمن هالستر، *تشیع در هند*، ص ۱۹۵-۱۹۶.

۳. *تاریخ جوامع اسلامی*، ج ۱، ص ۲۱۷.

با توجه به این که جنبش‌هایی افراطی، با تشیع و عزاداری مخالفت شدید می‌کردند، در آن وضعیت نه فقط زنده نگه‌داشتن عزاداری بلکه گسترش بی‌سابقه آن کار بزرگی است که نواین انجام دادند البته در این زمینه، فعالیت‌ها و تلاش‌های علمای هند را نیز نباید فراموش کرد.

در زمان نواین اوده، حسینیه‌های عظیمی در شهرها و مناطق مختلف هند بنا شد که بعضی از آنها از آثار پرارزش تاریخ هند و منبع درآمد جهان‌گردی شده است. برای ساختن بعضی امام‌بارگاه‌ها (حسینیه‌ها) به اندازه خزانه دولت‌های کوچک پول خرج می‌شد و بعضی از آنها با طلا و جواهرات نایاب مزین شده بود که هر کس آنها را می‌بیند، چشمش خیره می‌شود.^۱

ه) وضعیت فعلی عزاداری

وضعیت فعلی عزاداری در هند از لحاظ گسترش آن و آزادی اجرای مراسم، بسیار مساعد است. در حال حاضر، عزاداری در مناطق مختلف هند با اهتمام خاص برگزار می‌شود. و در زمان سلاطین و نواین شیعه، چون حکومت‌ها در عزاداری شرکت مستقیم داشتند، از خزانه‌های دولتی در این راه هزینه‌های زیادی صرف می‌شد و مخصوصاً در تعمیر و ساختن و حسینیه‌های عظیم خرج زیادی می‌کردند. در حال حاضر، مردم متناسب با توانایی خود خرج می‌کنند و اهتمام می‌ورزند و در گسترش عزاداری، تمام همت خود را صرف می‌کنند اما در ساختن ابنیه و اماکن عظیم مربوط به عزاداری و قراردادن اشیای قیمتی در آنها، ناتوانند و شأن و شوکت تمدنی - مذهبی آن دوره وجود ندارد.

آنه ماری شیمل درباره کیفیت عزاداری زمان سلاطین اوده و با عزاداری امروزی می‌نویسد:

شاهزادگان اکثراً شیعه اوده یا فیض‌آباد پایتخت و بعداً لکنو و نواب‌های شیعه که از سال ۱۸۱۹ شاهان اوده بودند، به هم پیوستند و یک فرهنگ شیعه تمام‌عیار را پدید آوردند. آنها عده زیادی از شاعران و علمای شیعه را پناه دادند در حالی که دهلی با وجود این که مقر رسمی فرمان‌روایان مغول بود، نقش فرهنگی‌اش را در حد بسیار زیاد از دست داده بود. در اوده و سایر ایالات بعضاً شیعه، بناهای باشکوهی مثل تکیه‌هایی که برای مراسم عزاداری ماه محرم ضروری بود، احداث شدند و در لکنهو هنر مرثیه خواندن اشعار سوزناک در سوگ امام حسین علیه السلام نوه پیامبر صلی الله علیه و آله پدید آمد؛

۱. برای مطالعه بیشتر نک: کتاب‌های انتخاب اوده در آئینه ایام و تشیع در هند، بخش محرم.

حتی روزهای تولد دوازده امام در آنجا با شکوه و جلال جشن گرفته می‌شد. راه افتادن دسته‌ها در محرم که اورنگ‌زیب در سال ۱۶۹۸ آنرا ممنوع اعلام کرد و امروز در بیشتر شهرهای شبه‌قاره هند قابل مشاهده است، غالباً منجر به تنش‌های دسته‌جمعی می‌شد. این مراسم در حیدرآباد دکن به نوعی کارناوال تبدیل شده بود. این گردهم‌آبی در ده روز اول محرم، همراه با مرثیه‌خوانی و عبادت در همه جاهایی که مسلمانان هندی و پاکستانی زندگی می‌کنند، حفظ شده است؛ حتی در لندن و نیویورک هم این مراسم برگزار می‌شود.^۱

اگر در این سخن نویسنده دقت کنیم، معلوم می‌شود که شیعیان هند نه فقط در حفظ مراسم عزاداری که در گذشته انجام می‌شد موفق بودند، بلکه این گونه مراسم را در خارج از هند نیز زنده نگه داشته و گسترش داده‌اند.

اگر در این نوشتار، به کتاب مهم و تحقیقی تشیع در هند اثر جان نورمن هالستر اشاره نشود، بی‌انصافی است. وی در کتاب خود برای بررسی عزاداری فعلی هند، فصلی جداگانه، با عنوان «محرم» قرار داده است. او در قالب یک پاراگراف کوچک، عزاداری فعلی و عزاداری زمان سلاطین اوده را به‌صورت منطقی پیوند داده، می‌نویسد:

برگزاری مراسم محرم با نشر مذهب شیعه گسترش یافت. در هند شاید بتوان این مراسم را به بهترین وجه در لکنه‌و دید، زیرا هنوز هم این شهر تا حدودی شکوه روزگار پادشاهان اوده را حفظ کرده است؛ گرچه دیگر برای این مراسم مانند سابق خرج نمی‌کنند. نائیتون می‌گوید: یکی از نوایین اوده در محرم یک سال، سیصد هزار لیره استرلینگ خرج کرده بود. علی‌رغم این امر، موقوفاتی که نواب محمدعلی‌شاه به همین منظور باقی نهاده، به لکنه‌و امکان می‌دهد مراسم محرم را با تمام ترتیبات شایان توجه آن برگزار کنند. ایام عزاداری محرم از شامگاه روز پیش از رؤیت هلال نو آغاز می‌شود.^۲

وی در ادامه، به چگونگی اجرای مراسم محرم و برخوردهای شیعیان با یک‌دیگر اشاره می‌کند و درباره تک‌تک تاریخ‌ها از اول تا دهم محرم، درباره امام‌بارگاه‌های عظیم هند و تزئین‌خوانی و غیره، به‌طور مفصل شرح می‌دهد. سپس به نحوه عزاداری در مناطق مختلف هند و جهات تمایز و اشتراک آنها می‌پردازد و بعضی از شخصیت‌های مهم سلسله عزاداری مانند میرانیس و غیره اشاره می‌کند.^۳ مطالب زیادی در مورد عزاداری فعلی هند

۱. در قلمرو خانان مغولان، ص ۱۵۷.

۲. تشیع در هند، ص ۱۸۸.

۳. همان، ص ۱۸۷ - ۲۰۶.

در کتاب‌ها و مجلات امروزی یافت می‌شود و نیز موارد و مطالب تفصیلی - مشاهده‌ای در این زمینه، قابلیت اضافه شدن در این نوشتار را دارد، ولی چون بنای این نوشتار بر اختصار است، به نوشتن همین مقدار مطالب بسنده می‌شود.

نتیجه

عزاداری هند، مخصوصاً از عصر مغول تا عصر حاضر، از مهم‌ترین بخش تاریخ هند به‌شمار می‌آید و در طول چند قرن، این عزاداری روزبه‌روز گسترش یافته است. این موضوع از چشم نویسندگان و پژوهش‌گران غربی مخفی نمانده و همان‌طور که آنها دیگر موضوعات مهم تاریخ هند را مطالعه و بررسی کرده‌اند، موضوع عزاداری در هند نیز پرداخته‌اند و در این زمینه هزاران صفحه به رشته تحریر درآورده‌اند.



منابع

۱. ابن اثیر، ابوالحسن علی، *الکامل فی التاریخ*، بیروت ۱۹۶۵م.
۲. بوسولز، *سلسله‌های اسلامی*، ترجمه فریدون پدراهی، چاپ قم.
۳. *تاریخ روابط ایران و هند* (Indo-Persian Relations) ریاض الاسلام، امیرکبیر.
۴. رضوی، اطهرعباس، *شیمه در هند*، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۶هـ.ش.
۵. شیمل، آنهماری، *در قلمروخانان مغول*، ترجمه فرامرز نجد، مؤسسه انتشارات امیرکبیر تهران، ۱۳۸۶ ش.
۶. طبری، محمدبن جریر، *تاریخ طبری*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۲۰۰۸م.
۷. علایی، ابوالفضل، *اکبرنامه، تاریخ گورکانیان*، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
۸. علامه فلسفی، *مکاتبات سلطان عبدالله قطب شاه*، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۸۶ش.
۹. فرشته، محمدقاسم، *تاریخ فرشته*، ترجمه عبدالحی خواجه، چاپ شیخ غلام علی سنیز لمیتد پبلیشر.
۱۰. لاپیدوس، ایرام، *جوامع اسلامی*، ترجمه محمدرضا و محسن مدیرشانه‌چی، آستانه قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. *مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند*، ارشاد فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶ش.
۱۲. محفوظ حسین علی، *تاریخ الشیعه*، بغداد، ۱۹۵۸م.
۱۳. ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ج ۱، مشرق‌زمین گهواره تمدن.
۱۴. هالستر، جان نورمن، *تشیع در هند*، ترجمه آرمیدخت مشاخی فریدنی، مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۷۳ ش.

15. Donaldson D.m the Shiite Religion . London. Lguae 8 co . 1933.
16. Stewart Major. Privat memolirs of the Emperor Humayun.... London 1882.
17. Jhon Mcleod . the history of India ceenwood Poblishin gxoup2002.
18. birdwood. G.c.m sva,Ed, by F.H. Brown . London 1915.
19. Irwin – the garden of India L London W.H. All end . Co 1880.
20. G.E. Brown .Moslem Word London.